

بسمه تعالی

انگیزه نامه - کارشناسی نرم افزار

اولین باری که یک کامپیوتر دیدم ، یادمه که یک 486 DX2/66 بود ، منزل یکی از آشنایان بودم و حقیقتا خیلی برام جذاب بود و دوست داشتم منم یک کامپیوتر داشته باشم که البته پدرم مخالف بود. برای مجاب کردن پدر بعد از پایان سال اول دوره دبیرستان در آزمون هنرستان فنی شهید چمران شرکت کردم و وارد رشته کامپیوتر شدم. کمی بعد پدر با راهنمایی احدی از اقوام برای بنده یک کامپیوتر از سری Pentium تهیه کرد.

ذاتا خیلی کنجکاو بودم و با آزمون و خطا و کلی خرابکاری به نحوه استفاده از کامپیوترها و بکارگیری سیستم عامل DOS و Windows مسلط شدم . در اندک زمانی تبدیل به مرجع خانواده در حوزه علوم کامپیوتر شدم البته به گمان خودم ، ویندوز نصب می کردم ، مشاوری در خرید می دادم ، راجب مزایای دیسکهای نوری نسبت به فلاپی دیسکها سخنرانی می کردم و خلاصه خیلی خفن بودم تا اینکه به روزی که زنگ ورزش در هنرستان را دودل کرده بودم تا برم به کارگاه کامپیوتر و بازی کنم متوجه شدم که همکلاسی اقلیتم که وازریک نام داشت هم تو کارگاه مشغول به کار است . دزدکی داشتم صفحه مانیتور وازریک را نگاه می کردم که دیدم در محیطی که برای من غریبه هست مشغول تایپ کردن هست و هر از گاهی حتی نرم افزاری با محیطی غریبه تر از قبلی هم می دیدم. بعد از کمی گپ و گفت که در حوصله این گفتار نیست تازه فهمیدم که هدف از تحصیل در این رشته نصب ویندوز یا نرم افزاری های کاربردی دیگه نیست ، مصرف کننده بودن نیست ، ارتقاء حافظه اصلی کامپیوترهای افراد خانواده هم نیست . فهمیدم زبانهای برنامه نویسی ، مفسر و کامپایلر ، حل مسائل پیچیده و پیدا کردن راهکارهای ساده شده و قابل پیاده سازی در کامپیوترها ، نوشتن یک بازی و اجرا کردنش در سیستم عامل های تک کاربره و تک کاره یعنی چی و در عین سختی چقدر می تواند جذاب باشد.

وازریک برنامه نویسی به زبان QBASIC را به من آموخت و من را با دنیایی از چالشهای لذت بخش آشنا کرد. تا مدتی بعد از دوره هنرستان با نسلهای جدیدتر از همین زبان کد نوشتن سپس انواع زبانهای برنامه نویسی را به صورت خودآموز فراگرفتم و هر روز بیشتر از پیش رشد کردم و همزمان با حل مسائل از نتیجه لذت بردم. فهمیدم که یک برنامه نویس و دانش آموخته در این رشته به واقع یک خالق در دنیایی است که امروزه و به نظر بنده به غلط آن را دنیای مجازی می نامند . من ، هم دوست دارم و هم از خالق بودن لذت می برم ، تا کنون نرم افزارهای متعددی نوشتم که در حال حاضر در حال استفاده هستند و کلی ایده برای پیاده سازی در ذهن دارم.

تحصیل در رشته نرم افزار به هیچ عنوان کافی نیست ولی حتما قدم مثبتی است و من مایلیم که در این مسیر قدم بردارم . راه طولانی ای را تا این لحظه سپری کردم و باور دارم که راه طولانی تری در پیش است و امیدوارم که روزی بتوانم یک سیستم عامل بنویسم که البته سخت ولی دست یافتنی است.

احمد ارمان

دانشجوی مقطع کارشناسی نرم افزار کامپیوتر

دانشگاه پیام نور تهران شمال